



A T I Y E N O

شناسنامه  
P R O F I L E

- صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه (وابسته به سازمان تامین اجتماعی)
- سردبیر: زین‌نظر شورای سردبیری
- صفحه‌آرا: محمدرضا لری چی
- ویراستار: کوروش اشرفی
- طراح: مهرناز منتظریان
- نشانی: میدان آرژانتین، خیابان احمد قسیر
- خیابان دوازدهم، شماره ۲۲
- تلفن: ۰۲۱-۴۵۴۳۶
- تحریریه: داخلی ۱۳۸
- بازگانی: داخلی ۱۲۲

www.atiyeno.ir

هنر  
C U L T U R E

مروزی بر نمایشگاه

«سیمای تهران»

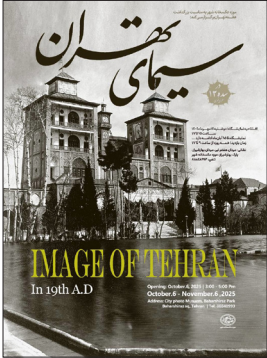
## نمای پایتخت‌قاجار

اکنون بیش از دو قرن از انتخاب تهران به‌عنوان پایتخت ایران می‌گذرد.

اولین بار آغا محمدخان قاجار این شهر را به‌عنوان دارالخلافه برگزید. تهران در نسبت با شهرهای دیگر کشور کهن‌سال ایران از دیدگاه تاریخی شهری نوپا و تازه‌ساز به‌شمار می‌رود.

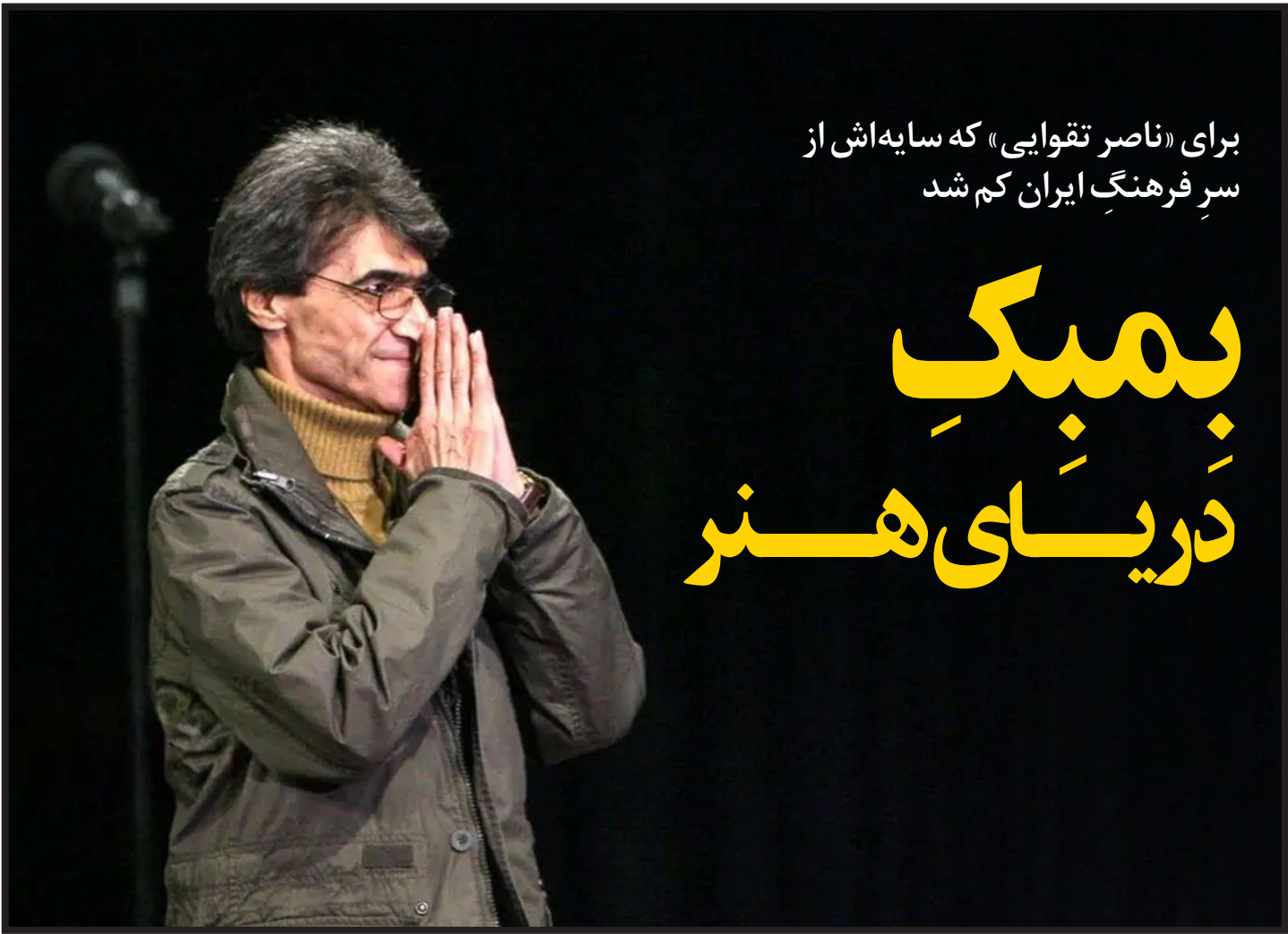
این شهر در طول دوران حیات‌اش به‌عنوان پایتخت، پستی‌وبلندی‌های فراوانی را از سر گذرانده و مردم بسیاری از نقاط مختلف ایران را در خود جای داده است. با ورود عکاسی به ایران در دوران قاجار و امکان ثبت تصاویری از شهرهای ایران، اسناد تصویری مهم و ویژه‌ای از تهران که پایتخت ایران بوده نیز ثبت و ضبط شده است. این تصاویر تا اندازه‌ای می‌توانند تصویری از تهران دوران قاجار را بسازند.

تصاویر برگزیده در این نمایشگاه با عنوان «سیمای تهران» که به‌مناسبت ۱۴ مهر، روز ملی تهران برپا شده است، عکس‌های تاریخی پایتخت‌از عکاسان متعددی انتخاب شده‌اند؛ عکاسانی نظیر لویی پشه، لوئیجی مونتابونه، آقازا عکاس باشی، عبدالله‌میرزا قاجار و... این عکس‌ها از کتابی با همین عنوان که در سال ۱۳۸۶ توسط مؤزۀ عکسخانه شهر و با مشارکت مجموعه جهانی کاخ گلستان چاپ و منتشر شد، برگزیده شده‌اند. تحقیق و گردآوری کتاب سیمای تهران برعهده اسناد محمد حسن سمسار و فاطمه سرائیان بوده است و می‌توان این دو محقق را پژوهش‌گران اصلی این نمایشگاه دانست. مؤزۀ عکسخانه شهر ۶۰ عکس ارزشمند از تهران قرن سیزدهم قمری (سده نوزدهم میلادی) در جایگاه نخستین اسناد تصویری تهران و دو نقشه قدیمی تهران متعلق به سال‌های ۱۲۶۹ و ۱۲۷۵ قمری را از بین تصاویر این کتاب انتخاب و دوباره آن را به نمایش گذاشته است.



نمایشگاه «سیمای تهران»

- مؤزۀ عکسخانه شهر
- ۱۴۰ مهر تا ۱۵ آبان ۱۴۰۴



## برای «ناصر تقوایی» که سایه‌اش از سرِ فرهنگِ ایران کم شد

# بمبک دریایِ هنر

مسعود میر

روزنامه نگار

تقوایی چه فیلم‌هایی می‌ساخت...

از روز تنظیم آن قرارداد به شهادت تقویم، بیست‌وهشت سال گذشته است. حال‌در سالروز سلاخی شدن داریوش مهرجویی، خبر مرگ تقوایی هم آوار می‌شود بر جان نحیف فرهنگ و سینمای این سرزمین وحسرت و افسوس چنان اختصاراً در این قرارداد طرف دوم نامیده می‌شود براساس شرایط مشروحه ذیل منعقد می‌گردد:

•••

فیلم‌نامه «چای تلخ» تازه منتشر شده بود. کتاب را خریده بودم و با خواندن اش عشق می‌کردم. درست شبیه یک دانشجوی سینما که حس می‌کرد جایی در همین گوشه و کنار شهر یک فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان تمام‌عیار حواسش

•••

بیش‌تر دوام نمی‌آورم. برگه‌های بایگانی را با اشک و بغض سرچایشان می‌گذارم و با خودم می‌گویم اگر همه چیز درست پیش می‌رفت

شاید آن نسل جوان خورۀ سینمایی بودیم که

«کاغذ بی‌خط» را در سینما تماشا کردیم، برای جشنواره فیلم‌های کوتاه سونی که او داورش بود کار دانشجویی فرستادیم و البته همیشه به نسل‌های قبل خودمان این بازی کی‌فُور شدن را باختیم چون آن‌ها «دایی جان ناپلئون» را در تلویزیون دیده بودند و «ناخدا خورشید» را در

جشنواره...

ما دیر رسیده بودیم اما رسیده بودیم تا آن‌جا که برای خبرهای ساخت «زنگی و رومی» ذوق کردیم و با متوقف شدن ساخت‌اش آه کشیدیم.

•••

تقوایی هرچند در بیست‌ودوم مهرماه سال صفر

چهار مثل بمبک در عمق دریا ناپدید شد اما سال‌ها پیش از این‌ها سکوت اقیانوس را زیست

کرد و خاموشی در پیش گرفت. گفت که در این سانسور دیگر نمی‌نویسد و جایی برای جوایز

نگاهی به فیلم «لاک‌پشت»

## کوبنده امارهاشده

فیلم سینمایی «لاک‌پشت» نخستین‌بار در بخش ویژه چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، اخیراً نیز اکران عمومی آن در سینماهای کشور آغاز شده است. داستان در نگاه اول ساده به نظر می‌رسد، دکتر پیروز ارجمند روان‌پزشکی که خود زخم‌خورده آسیب‌های گذشته نامعلوم است، حالا برگشت شایان، یکی از اعضای خانواده همه‌چیز را به هم می‌ریزد و باعث به وجود آمدن اتفاقاتی می‌شود که زندگی دکتر را به نابودی می‌کشاند. فیلم فضاسازی خوبی دارد و مخاطب را تا انتها در تعلیق نگه می‌دارد، در واقع همین تعلیق موتور محرکه «لاک‌پشت» برای ادامه داستان است، هر پرده‌ای که مخاطب می‌بیند طرح جدیدی از توهم‌رانشان می‌دهد. همچنین فیلم با روایت جذاب لحظات، ضربه‌های هولناک

را در بزنگاه‌های طلایی فرود می‌آورد و تمام داستان را به لرزه در می‌آورد.

«لاک‌پشت» با ضربه‌ای کوبنده داستان را به اتمام می‌رساند، اما مخاطب به‌راحتی متوجه می‌شود که برخی از خطوط داستانی کامل نشده، مانند سرانجام رابطه دکتر و همسرش یا نمایش گذشته پنهان پیروز ارجمند که بیننده چیزی از پایان آن‌ها مشاهده نمی‌کند؛ چیزی که داستان را از یک اثر صرفاً روایی به تراژدی عمیق و هولناک تبدیل می‌کرد.

در نهایت «لاک‌پشت» همچنان فیلمی تماشایی که با اجراهای درست و فضاسازی درخشان مخاطب را در تعلیق نگه می‌دارد. با این حال، می‌توانست با پرداخت عمیق‌تر به دنیای

کاراکترها اثری به مراتب قوی‌تر باشد.



هنر  
A R T



نسیم قاضی‌زاده

منتقد موسیقی

نگاهی به کنسرت-نمایش «خون‌نگار»

## عشق و جسارت

در زمانه ما کنسرت-نمایش‌ها بیش از هر فرم هنری دیگری مورد استقبال عموم قرار می‌گیرند. مخاطب کنسرت-نمایش، هم‌زمان هم از شکوه دیدن تئاتر بهره‌مند می‌شود و هم از شنیدن لطافت موسیقی لذت می‌برد. از هر دوی این‌ها مهم‌تر، این که در وقت محدود مخاطب این سال‌ها که همراه با جریان سریع اطلاعات پیش می‌رود، شنیدن حرف‌های جدی، در قالب تئاتر، تنها برای مخاطب جدی آن ملموس است. به‌ویژه اگر داستان نمایش، در قدیم رخ بدهد و از زبان همان دوره استفاده کند که حوصله‌ای مضاعف را می‌طلبد. اگر تئاترهای روز را دنبال کنید، به‌خوبی متوجه لحن امروزی، داستان‌های امروزی، شوخی‌های روز اینستاگرام و فضای مجازی و قصه‌هایی که به گوش آشنایند، می‌شوید. از سویی دیگر در حوزه موسیقی هم اوضاع به همین شکل است. فروش بلیت کنسرت‌های موسیقی پاپ گوی سبقت را رفته، حتی موسیقی سنتی نیز در قالب پاپ-سنتی بیش‌تر ارائه می‌شود تا در جذب مخاطب، وسیع‌تر عمل کند. فارغ از درست یا غلط بودن و هرگونه ارزش‌گذاری فرمی و محتوایی، این واقعیتی است که نه‌تنها در جامعه ایران، بلکه در اکثر جوامع، با درصدی این‌ورتر یا آن‌ورتر در جریان است. سرعت و دشواری زندگی‌ها، عنان از کف حوصله برده و گره‌های هنری، از خلایق‌تشان برای گفتن داستان‌ها و حرف‌های سنگین در پیچگی متفاوت و سهل‌الفهم‌تر با هدف جذب بیشتر مخاطب استفاده می‌کنند. با این اوصاف، در چنین روزگاری، فرم کنسرت-نمایش، یکی از مقبول‌ترین‌هاست. تجربه سال‌های اخیر و اقبالی که تماشاگران به دیدن چنین آثاری همچون سی صد، شازده کوچولو، سی، ترانه‌های قدیمی، ترانه‌های محلی و... نشان داده‌اند، به خوبی اذعان می‌کند که این فرم از هنر می‌تواند مخاطب خود را پیدا کرده و به حیات‌اش ادامه دهد. این روزها نمایش خون‌نگار در تالار وحدت در حال اجراست. مهیار علیزاده که او را به‌عنوان اولین آهنگ‌ساز آثار همایون شجریان می‌شناسیم و بعدها آلبوم‌های متعددی را از او شنیدیم، کارگردانی این اثر را به‌عهده داشته است. او این اثر را براساس متنی از محمد رحمانیان که نمایش‌نامه‌هایش شهره‌اند روی صحنه تئاتر برده است. روایت نمایش، روایت رابعه دختر کعب قدرداری والی بلخ، ملقب به رابعه بلخی، شاعر قرن چهارم هجری است؛ شاعره‌ای که در زمان حیات همچون بسیاری از ممالک آن دوره، می‌بایست هویت زنانه‌اش را می‌پوشاند. جایگاه او آن قدر رفیع بوده که عطار در الهی‌نامه به زندگی او پرداخته و درباره‌اش نوشته است. عشق او به بکتاش، خزانه‌دار دربار، شهرۀ زمانه خودش می‌شود و در نهایت به مرگ زودرس هردو می‌انجامد. این داستان شورانگیز میان شاعره‌ای که مخفیانه شعر می‌سروده و عشقی ممنوع او و خزانه‌دار دربار، حتی دیدارش با رودکی در بسیاری از روایات تاریخی و کتب کهن آمده است. علیزاده با بهره‌گرفتن از حرکات فرم، آوازهای سینا ساعی، بازی سوگل خلیق و نقش‌آفرینی متفاوت ساغر رجبی در نقش کولی افغان این کنسرت - نمایش، آن را به صحنۀ وحدت برده است. کارگردان در طراحی صحنه از ویدئووال‌هایی که جایگزین دکوراسیون بلخ قدیم شده‌اند، بهره برده است؛ هم‌چنین در طرح نقشه‌های ایران قدیم، حال و هوای شخصیت‌ها، آرایش کلی صحنه و... که همه به شکل مؤثری به کمک طراحی صحنه آمده‌اند. همچنین شکل روایت در روایت داستان رابعه که میان اکنون و گذشته در نوسان است از دیگر نکات قابل توجه در این اثر است.

کنسرت-نمایش «خون‌نگار»

- نویسنده: محمد رحمانیان
- کارگردان: مهیار علیزاده
- تهیه‌کننده: سیدعماد عامری
- بازیگران: اصغر پیران، ساغر رجبی، سوگل خلیق، سینا ساعی، محمد ولی‌زادگان، مسعود کرامتی
- تالار وحدت
- شهریور و مهر ۱۴۰۴